

نیمسال نامه ی مطالعات قرآنی و روایی

سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ص ۵۷ - ۷۵

## نقش تربیتی سنت عذاب در قرآن

علی اکبر شایسته نژاد<sup>۱</sup>

### چکیده

اسلام دین رحمت است ولی عده ای آن را به خشونت متهم کرده اند. یکی از وجوه این اتهام، کثرت استعمال واژه عذاب در قرآن کریم است. در قرآن کریم واژه عذاب، ۱. برای هشدار، به عنوان سنت اندازی خداوند؛ ۲. تبیین گناهان منجر به انواع عذاب در عالم آخرت ۳. بیان برخی عذاب های دنیوی، به کار رفته است. قسمت اصلی آیات عذاب، مربوط به کیفیهای عالم آخرت و در مورد کافران، مشرکان و ... است. قسمت دیگر محکومیت عذاب حاکمان ستمگر است. و بخش دیگر نوعی عذاب معقول و متناسب برای کیفر افراد خاطی و جلوگیری از ترغیب دیگران به گناه و تأمین امنیت جامعه است. این نوشتار از نوع پژوهش های بنیادی است و به روش کتابخانه ای به توصیف و تحلیل آیات قرآن که در بردارنده ی واژه عذاب هستند، پرداخته و نشان داده که نظام تنبیه در قرآن، قانونمند و هدفدار است.

**کلیدواژه ها:** عذاب، سنت عذاب، عذاب اخروی، عذاب دنیوی، پیشگیری از وقوع گناه

---

<sup>۱</sup> . استادیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی asm2us@yahoo.com

تاریخ پذیرش نهایی ۹۲/۱۰/۱۹

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۹/۷

### ۱. بیان مسئله

یکی از راه‌های بررسی جایگاه یک واژه در متن، تحلیل محتوای کاربرد و مطالب مرتبط با آن واژه است. یکی از انواع تحلیل‌ها، تحلیل ساختار، نوشتار یا گفتار است که به آن تحلیل سمانتیک<sup>۱</sup> یا تحلیل معناشناسانه گفته می‌شود. در این نوع تحلیل، فراوانی واژه‌ها، معنی‌ها و حالت‌های متفاوتشان برحسب بخش‌های گوناگون کلامی، میزان تکرار آنها، کوتاهی و بلندی جمله‌ها، الفاظ، اصطلاحات، حالات نوشتار و ارتباط واژه‌ها و عبارات مورد شمارش و اندازه‌گیری واقع می‌شوند.

از این نوع مطالعه می‌توان به عنوان روش معناشناسی یا مطالعه تحلیلی واژه‌ها نیز یاد کرد. که یکی از روش‌های مطالعه‌ی مفاهیم قرآن، با هدف تبیین جهان بینی آن است. (نوبری، ۲۴/۸)<sup>۲</sup>

خداوند عزیز همه‌ی امور عالم ظاهر و باطن را بر اساس اصول، قوانین و ساختارهایی دقیق و منظم سامان داده و سنت‌های حاکم را تغییر و تحویل ناپذیر خوانده است. یکی از این سنت‌های مهم، نظام تنبه و هشدار است که در قرآن کریم با عنوان عذاب آمده است. البته خداوند عذاب خود را شامل برخی افراد و رحمت خود را فراگیر قلمداد کرده است. قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ (الاعراف: ۱۵۶)

این واژه برای هشدار و زنگ بیدار باش به کار رفته تا انسان‌ها گمان نکنند عذاب خداوند همانند عذاب‌های سست و اندک دنیوی است و توجه کنند که عذاب خداوند مطابق عظمت شأن و مقام حضرت حق سخت و دردناک است و خود را از ابتلای به آن حفظ کنند. از این رو خداوند عذاب خود را الیم توصیف کرده است (الحجر: ۵۰).

این نوشتار به پاسخ سؤالات زیر پرداخته است.

۱. کمیت و کیفیت کاربرد واژه عذاب در قرآن چگونه است؟

۲. شاخصه‌های اصلی تحقق عذاب چیست؟

۳. رابطه‌ی عذاب الهی با خشونت چگونه است؟

### ۲. مفهوم لغوی

<sup>۱</sup> quantitative semantics

<sup>۲</sup> . نک: سخنرانی "پاپ بندیکت شانزدهم" با عنوان "اسلام دین خشونت"; ادعای "الفریده یلینگ" مبنی بر خشن بودن اسلام و کتاب "خشونت و تبعیض در اسلام" نوشته "فرخ معانی"

۱. مفردات، عذاب را به معنای افزایش زمان حبس، تحمیل گرسنگی و بیداری، دور کردن از گوارایی و شیرینی و زندگی را تار، بی ثبات و لغزان کردن معنا کرده است. (راغب، ۵۵۴)

۲. مجمع البحرین می نویسد: عذبتہ تعذیباً: به معنای عاقبتہ یعنی او را عقوبت و تنبیه کردم، آمده است چنین عذابی در عقوبت همراه با درد استعمال شده و برای امور شاق و سخت، استعاره می آورند. لذا گفته شده "السفر قطعة من العذاب" (طریحی، ۱۱۷/۲، فیومی ۳۹۸/۲)

۳. العین می نویسد: أعذبتہ إعداباً و عذبتہ تعذیباً، همانند فطمته عن هذا الأمر است. هرگاه چیزی را از کسی منع کنی، او را عذاب کرده ای. (فراهیدی، ۱۰۳/۲؛ ابن منظور، ۵۸۴/۱)

۴. صاحب التحقیق می نویسد: «ریشه اصلی این ماده چیزی است که منطبق بر طبع و مقتضی حال انسان باشد، مانند آب گوارا. مفهوم عذب برای امور خوشایند و عذاب برای تألم، شدت، تنبیه، کیفر، حبس و مانند آن استعمال می شود و نشانه ی استمرار در امور ناخوشایند و کیفر مناسب با حال انسان و متعادل کننده حالت درون تیره و کدر اوست». (مصطفوی، ۶۷/۸)

معجم الفروق اللغویه، عذاب را اخص از الم دانسته و گفته است: الم ممکن است مستمر یا ناپایدار باشد. لذا گزش پشه را الم گویند نه عذاب. ولی الم استمرار یابد می گویند دیشب پشه مرا عذاب داد. ... می گویند ماء عذب زیرا در حلق استمرار دارد. (عسکری، ۳۵۴)

برخی گفته اند: پس از مدتی دشواری و مشقت، عذاب برای گناه کاران، عذب و شیرین شده و رنج ها زایل و شیرینی آن باقی می ماند به همین خاطر عذاب نامیده شده است. مانند کسی که بیماری گری (جرب) دارد که اگر کسی او را بخاراند برایش گوارا و شیرین است... (نکته: قدردان قراملکی، ۲۲۶-۲۲۹)

در عین حال باید توجه داشت که گرچه ماده عذاب، دارای مفهوم عذب و شیرینی نیز می باشد، اما مفهوم منع، تحمیل و محرومیت در آن غلبه دارد. زیرا عذب و شیرینی به زوال عذاب مربوط است، نه خود عذاب. کاربرد این واژه در قرآن نیز به مفهوم نوعی دشواری و محرومیت است.

### ۳. کاربرد واژه ی عذاب در قرآن

اقتضای حکمت الهی و اتمام حجت با مردم، آگاه کردن آنان از نتایج نهایی اعمال ناپسند است. فلسفه بیان سنت های عذاب در قرآن کریم، قبح عقاب بلا بیان (ولائی، ۲۵۰) است. لذا

۱. عبارت مصباح المنیر، دقیقاً همان مطالب مجمع البحرین است: "عذبتہ تعذیباً: عاقبتہ و الاسم العذاب و أصله فی کلام العرب الضرب ثم استعمل فی کل عقوبة مؤلمة و استعیر للأمر الشاق فقیل السفر قطعة من العذاب"

خداوند با بیان سنت‌ها و قوانین مجازات، به اشکال مختلف زنگ بیدار باش را به صدا در آورده تا جای عذر و بهانه برای کسی باقی نماند. از طرف دیگر اقتضای حکمت خداوند آن است که کسی را به دلیل نا آگاهی و عدم امکان فهم حقیقت، مؤاخذه نکند.<sup>۱</sup> طبق بیان خداوند: عذاب الهی، قبل از اتمام حجت تحقق نمی‌یابد. (نک: طه، ۱۳۴)، از این رو تعداد قابل توجهی از آیات قرآن به بیان سنت‌های عذاب اشاره می‌کند. این اطلاع‌رسانی تا حدی است که افرادی که گرفتار جهنم می‌شوند، اعتراف دارند که خداوند بر مردم اتمام حجت کرده است. (الزمر، ۷۱).

### ۳. ۱. کاربرد لفظی واژه ی عذاب در قرآن

واژه عذاب در ۳۰۶ آیه قرآن کریم، در چند حالت استعمال شده است:

۱. به صورت مفرد، مانند: مانند: (النساء، ۲۵)؛ (الفجر، ۱۳)؛ (الحج، ۱۸ و ۴۷)؛ (المؤمنون، ۶۴ و ۷۶)؛ (العنکبوت، ۵۵).

۲. اضافه به ضمیر، مانند: عذابی (۹ بار)؛ این نوع عذاب ترجیح بند سوره قمر است. (القمر: ۱۶، ۳۰، ۲۱، ۱۸، ۳۷ و ۳۹)

۳. اضافه به اسم مفرد یا مضاف، مانند: عذاب رب [یا ضمائر دیگر] (۵ بار)؛ مانند اینکه فرمود: عذاب پروردگار تو (الطور، ۷؛ الإسراء: ۵۷)؛ کمترین عذاب پروردگار تو (الانبیاء، ۴۶)؛ عذاب پروردگارشان (المعارج، ۲۷) چنین عذابی (المعارج، ۲۸)؛ عذاب آخرت (طه، ۱۲۷، الفجر، ۲۵)

۴. همراه با صفت، کاربرد این نوع عذاب در قرآن به ترتیب کثرت عبارت است از: عذاب الیم (۶۳ بار)؛ عذاب شدید (۲۰ بار)؛ عذاب عظیم (۱۵ بار)؛ عذاب مهین (۱۴ بار)؛ عذاب حریق (۵ بار)؛ عذاب مقیم (۵ بار)؛ عذاب غلیظ (۴ بار)؛ عذاب من رجز الیم (۲ بار)، در مجموع واژه عذاب ۱۵۵ بار با صفت و مضاف الیه ذکر شده است.

خداوند عزیز صفت‌هایی چون عذاب یوم القیامه (۳ بار)؛ عظیم (۸ بار)؛ الیم (۲ بار)؛ کبیر (۱ بار)؛ محیط (۱ بار)؛ عقیم (۱ بار) (در مجموع ۱۶ بار) را نیز برای روز عذاب ذکر کرده است

بنابراین واژه عذاب، از واژه‌های نسبتاً پر استعمال قرآن است. خداوند عذاب را به خود منسوب کرده تا شدت و قوت آن را نشان دهد و با صفات مختلف آورده تا روشن شود که هر

۱. رسول گرامی اسلام (ص) فرمود: رُفِعَ عَنْ أُمَّتِي تِسْعُ الْخَطَاةِ وَالنِّسْيَانُ وَمَا أُكْرَهُوا عَلَيْهِ وَمَا لَا يَعْلَمُونَ وَمَا لَا يُطِيقُونَ... (مجلسی، ۱۵۵/۷۴): نه چیز از امت من برداشته شد، از جمله اشتباه، فراموشی، انجام امور با اکراه [در اثر تهدید] و آنچه نمی‌دانند و آنچه مافوق توان آنهاست و ..

کس به تناسب و میزان گناه کیفر خواهد شد. همچنین روز عذاب، با روزهای معمولی تفاوت اساسی دارد.

### ۲.۳. کاربرد مفهومی واژه عذاب در قرآن

آیات در بردارنده واژه عذاب، در مفاهیم زیر به کار رفته اند:

#### ۱. ۲. ۳. تبیین سنت عذاب

سنت به معنای قانون ثابت و تخلف ناپذیر و هدفدار است. یکی از سنت های خداوند، سنت تنبیه<sup>۱</sup> و هشدار است. خداوند پیامبر عزیز اسلام(ص) را مبشر و منذر خوانده و فرموده است: (البقره، ۱۱۹)

ولی از آنجا که انذار نقش بیشتری در باز دارندگی انسان از گناه و معصیت دارد. اولین مأموریت رسول گرامی، با انذار آغاز شده (المدثر، ۳۶) و در برخی موارد رسالت پیامبر اکرم(ص) را منحصر به روش انذار کرده است. «إِنَّ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (الاعراف، ۱۸۴) «إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ (هود، ۱۲)»، «وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ (الحجر، ۸۹)»<sup>۲</sup>

برخی از سنت های عذاب عبارتند از:

#### ۱. ۱. ۲. ۳. سنت قبح عقاب بلا بیان

علامه طباطبائی (ره) می نویسد: «سنت الهی چنین نیست که ساکنان قریه ها قبل از انذار خداوند و مخالفت با آن، دچار غضب گشته و هلاک شوند. اینگونه هم نیست که از چنین کسانی سلب قدرت و اختیار شده باشد؛ این سنت خدا نیست که انذار نکرده، هلاک کند؛ زیرا هرچه خدا می کند به مقتضای سنت و صراط مستقیم است... مردمی که رسول ندارند مواخذه نمی شوند، زیرا فرستادن رسول به این منظور است که اهل دیاری را تا [اتمام حجت نکرده و] غافل و جاهل نباشند، به ستم هلاک نگردانند.» (طباطبائی، ۴۷۹ / ۷)

#### ۲. ۱. ۲. ۳. سنت هشدار

بدیهی است که کیفرهای عالم آخرت ناشی از عملکرد انسان در این جهان است. از آنجا که ظرفیت جهان مادی پاسخ گوی بسیاری از اعمال ناپسند انسان نیست، به اقتضای حکمت و عدالت خداوند، کیفر کامل و دقیق همه اعمال ناپسند و گناهان در عالم آخرت، تحقق خواهد یافت.

<sup>۱</sup> تنبیه به معنای هشدار دادن، اعلام خطر کردن است. یعدی می گوید که آفرینش همه تنبیه خداوند دل است\* دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار. یکی از راه های هشدار و اعلام خطر تنبیه بدنی است.

<sup>۲</sup> آیات: الحج، ۴۹؛ الفرقان، ۱۰؛ الشعراء، ۱۱۵؛ العنکبوت، ۵۰؛ سبأ، ۶؛ الفاطر، ۲۳؛ ص، ۷۰؛ الاحقاف، ۹؛ الذاریات، ۵۰، ۵۱؛ الملک، ۳۶؛ نوح، ۲؛ المدثر، ۳۶ نیز بر نذیر بودن پیامبر(ص) تأکید دارد.

برخی انسان ها، با نهایت بی اعتنایی به سنت های حاکم بر عالم آفرینش و تمسخر قدرت خداوند، تقاضای نزول عذاب زودتر از موعد کرده اند. (هود، ۸). اما خداوند که دارای رحمت گسترده است، نسبت به عذاب گناهکاران، شتاب نمی کند. (الکهف، ۵۸)

علامه طباطبائی می نویسد: «قضای حتمی در عذاب، تنها برای کسانی است که دیگر امید صلاح از ایشان منتفی شده است، لکن خدا در عذابش تعجیل نمی کند.» (طباطبائی، ۱۳ / ۴۶۳). خداوند برخی عذاب هایی نازل شده بر اقوام گذشته را بیان کرده تا زمینه عبرت اندوزی بیشتر مردم را فراهم کند. مانند: عذاب قوم لوط (هود، ۷۶، القمر، ۳۸)؛ شعیب (هود، ۹۳)؛ صالح (هود، ۶۴)، عاد (فصلت، ۱۶ و ۱۷)؛ آل فرعون (النافر، ۴۵)

به طوری که از قرآن برمی آید رفع عذاب، موجب می شود برخی افراد پیمان شکنی کنند. (الزخرف، ۵۰؛ الدخان، ۱۵)؛ لذا از قول رسول گرامی اسلام (ص) نسبت به عذاب شدید هشدار داده است. (سبأ، ۴۶)

در سنت های هشدار الهی، نشانه ها و اخطارها قابل تأمل است. و این خود مبین نقش تربیتی عذاب است.

**الف) نشانه ها؛** برخی آیات قرآن به بیان نشانه های روز عذاب و توصیف عظمت، دشواری و ... آن پرداخته اند. مانند اینکه: نشانه بودن عذاب های دنیوی، برای عذاب آخرت (هود، ۱۰۳؛ القلم، ۳۳). پدید آمدن دود به نشانه ی عذاب الیم (الدخان، ۱۱)، نزول عذاب روز بزرگ در مورد قوم شعیب (الشعراء، ۱۸۹)<sup>۱</sup>، درهم ریختن اعتدال (الحج، ۲) و ایمنی انسان (یوسف، ۱۰۷) به دلیل شدت و قوت عذاب الهی (الانعام، ۶۵؛ الاعراف، ۱۶۷)؛ ناگهانی بودن وقوع قیامت (الحج، ۵۵).

<sup>۱</sup> در تفسیر نمونه آمده است، "ظله" در اصل به معنی قطعه ابری است که سایه می افکند. در ذیل آیه فوق نقل کرده اند که هفت روز، گرمای سوزانی سرزمین آنها را فرا گرفت و مطلقاً نسیمی نمی وزید، ناگاه قطعه ابری در آسمان ظاهر شد و نسیمی وزیدن گرفت. آنها از خانه های خود بیرون ریختند و از شدت ناراحتی به سایه ابر پناه بردند. در این هنگام صاعقه ای مرگبار و با صدای گوش خراش از ابر برخاست و به دنبال آن آتش بر سر آنها فرو ریخت و لرزه ای بر زمین افتاد و همگی هلاک و نابود شدند. (مکارم، ۳۴۰/۱۵) و نیز به گفته صاحب مجمع: «مدت هفت روز باد و نسیم از آنها گرفته شد و گرمای سوزانی سرزمین آنها را فرا گرفت به طوری که از شدت گرما نمی توانستند نفس بکشند و به سوی بیابان بیرون رفتند، در این هنگام ابری ظاهر شد که از سایه آن نسیم سردی می وزید و همه زیر ابر و در سایه آن جمع شدند که ناگاه صاعقه ای از ابر برخاست و آتشی مرگبار بر سر آنها فرو ریخت و همگی هلاک و نابود شدند.» (طبرسی، ۱۷۰/۳)

همچنین توصیف روز قیامت به "عقیم" (نازا) اشاره به این است که انسان روز دیگری ندارد تا بتواند به جبران گذشته خود بپردازد و سرنوشت خود را تغییر دهد. (مکارم، ۱۴/۱۴۸)

**ب) اخطارها؛** آیات عذاب در بردارنده اخطارهایی نیز هستند. مانند: زمینه سازی عذاب دنیا، برای بازگشت انسان به خدا (السجده، ۲۱)؛ نجات بخشی پیروی از دستورات خدا و رسول (الزمر، ۵۵)؛ آگاهی بخشی عذاب دنیوی (مریم، ۷۵)

بنابراین واژه عذاب، در قرآن کریم غالباً به عنوان اعلام خطر و تأکید بر مراقبت انسان از خویشتن استفاده شده است.

#### ۴. شاخصه های تحقق عذاب

بر اساس سنت های الهی اموری چون دروغ بستن به خدا (طه، ۶۱، الطلاق، ۸)، استکبار و خود برتر بینی (الانعام، ۹۳، ابراهیم، ۲۱)، مکر و حيله (النحل، ۲۶ و ۴۵)، ظلم و ستم (النحل، ۸۵؛ الکهف، ۸۷؛ الشوری، ۴۴)، تکذیب پیامبر (ص) و قیامت (النحل، ۱۱۳؛ سجده، ۱۴) انکار آیات و دعوت الهی (سبأ، ۳۸؛ طه، ۴۸؛ الجن، ۱۷)، اطاعت از شیطان (الحج، ۴)، اطاعت کورکورانه از پدران (لقمان، ۲۱)، زمینه ساز عذاب است. نمونه هایی از این نوع عذاب در دنیا محقق شده تا موجب عبرت انسان شود.

برخی از رفتارهای ناشایست، مانند ترویج گناه (النور، ۱۹)؛ تکذیب آیات و قدرت الهی (سبأ، ۵؛ الجاثیه، ۱۱)، موجب گرفتاری در عذاب الیم دنیوی هست. و اگر انسان از این نوع عمل توبه نکند و آثار منفی آن را ترمیم نکند، گرفتار عذاب الیم اخروی، با تعبیر: «عَذَابٌ مِنْ رِجْزِ أَلِيمٍ» نیز خواهد شد.

همچنین عواملی چون کفر، شرک، نفاق، ارتداد، تکذیب و کتمان آیات الهی، دشمنی با خدا و پیامبر، ظلم و ستم، شقاوت، قتل مؤمن، رباخواری و ... زمینه ساز عذاب اخروی به شمار می روند. اهم این عوامل عبارتند از:

#### ۴. ۱. کفر

بسیاری از آیات در بردارنده عذاب الیم، به کافران مربوط می شود. کسانی که به آیات الهی و دیدار خداوند کفر ورزیدند. (العنکبوت، ۲۳)؛ و با کفر به آیات الهی، پیامبران او را کشتند. (آل عمران، ۲۱)

برخی هشدارهای قرآن در این زمینه عبارتند از، «وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (البقره، ۱۰۴)؛ «وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (التوبه، ۳)؛ «بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يَكْذِبُونَ... فَبَشِّرْهُمْ

بِعَذَابِ أَلِيمٍ» (الانشقاق، ۲۴)؛ «وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا» (الاحزاب، ۸)؛ «وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ» (یونس، ۴)؛ «إِنَّ الَّذِينَ اسْتَرَوْا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (آل عمران، ۱۷۷)؛ «فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ» (الملک، ۲۸)

همچنین قرآن کریم، کافران را به عذاب مقیم (المائده، ۳۷؛ الزمر، ۴۰؛ التوبه، ۶۸)؛ عذاب غلیظ<sup>۱</sup> (ابراهیم، ۱۷؛ لقمان، ۲۴؛ فصلت، ۵۰)؛ عذاب عظیم<sup>۲</sup> (النحل، ۱۰۶؛ آل عمران، ۱۷۶؛ المائده، ۴۱)؛ عذاب مهین (البقره، ۹۰؛ آل عمران، ۱۷۸؛ النساء، ۳۷ و ۱۰۲ و ۱۵۱؛ الحج، ۵۷؛ المجادله، ۵)؛ عذاب شدید (آل عمران، ۴ و ۵۶؛ یونس، ۷۰؛ ابراهیم، ۲؛ الإسراء، ۵۸؛ المؤمنون، ۷۷؛ فاطر، ۷؛ الشوری، ۱۶ و ۲۶؛ الحديد، ۲۰؛ فصلت، ۲۷)؛ عذاب حریق (البقره، ۹۰؛ الانفال، ۵۰؛ الحج، ۲۲)؛ عذاب النار (البقره، ۱۲۶؛ الانفال، ۱۴) تهدید کرده است.

بزرگ ترین جمعیت عذاب شوندگان که انواع عذاب های الهی را برای خود فراهم می آورند، کفار هستند. افرادی که برای برخورداری از لذت های ناپایدار دنیوی، از پذیرش دعوت پیامبران مبنی بر یگانه پرستی و عبودیت خداوندی که سر رشته همه امور عالم در دست اوست، استنکاف می کنند و به پرستش انواع بت هایی که خود و دیگران ساخته اند، می پردازند. از آیات الهی استنباط می شود که کفر بدترین مسیر زندگی است (الملک، ۶) و نتیجه آن رو سیاهی قیامت و اسارت در بند ذلت است. خداوند در عذاب کفار هیچ تخفیفی نمی دهد. آنان در جهنم جاودانه خواهند ماند و پیوسته بر عذاب آنان افزوده خواهد شد. (البقره، ۱۶۱-۱۶۲؛ آل عمران، ۸۸ و ۱۰۶؛ النساء، ۵۶؛ المائده، ۸۰؛ الاعراف، ۳۹؛ النحل، ۸۸؛ الروم، ۱۶؛ فاطر، ۳۶؛ ص، ۶۱)

برخورداری از عذاب ذلت بار آخرت (الاحقاف، ۲۰)؛ گرفتاری در عذاب بزرگ (الغاشیه، ۲۴)؛ عرضه شدن بر آتش (الاحقاف، ۳۴)؛ درخواست تأخیر عذاب (ابراهیم، ۴۴)؛ شدت عذاب برای کافران حیلہ گر (الرعد، ۳۴، هود، ۲۰)؛ بسته بودن راه فرار (المعارج، ۱)؛ افزوده شدن بر عذاب (النبا، ۳۰)، آرزوی خاک بودن (النبا، ۴۰)، دو برابر بودن عذاب رؤسا و سردمداران کفر (الاحزاب، ۶۸) نیز برای عدم رویکرد انسان به کفر، سخت هشدار دهنده است.

#### ۴.۲. شرک

۱. وَ اسْتَفْتَحُوا وَ خَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ... يَتَجَرَّعُهُ وَ لَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَ يَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَ مَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَ مِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ

۲. وَ لَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكَفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ



یکی از عوامل جهنم آفرین، شرک نسبت به خداوند یگانه است. خداوند کسانی را که به دیگران، بیش از خداوند علاقه دارند. (البقره، ۱۶۵)، مشرک معرفی کرده و درخواست از خدایان دروغین را بی فایده خوانده (الانعام، ۴۰؛ القصص، ۶۴) و آنان که همراه با خدای واحد، خدای دیگری را می خوانند، سزاوار سقوط در عذاب شدید دانسته است. (ق، ۲۶)

به طوری که از سخنان امام علی (ع) (عذر دعای کمیل برمی آید اگر انسان دارای روحیه ی کفر و عناد نبود، هرگز خداوند کسی را عذاب نمی کرد. «من به طور قطع و یقین می دانم که اگر فرمان تو مبنی بر عذاب کافران و حکم تو مبنی بر جاودانه ماندن معاندان در عذاب نبود، همه ی آتش را سرد و سلامت می کردی و هیچ کس در آن منزل و مأوا نداشت. ولیکن تو که اسمائت مبارک و مقدس است سوگند یاد کرده ای که جهنم را از کافران جن و انس پر کنی و دشمنان را جاودانه در آن قرار دهی.» (ابن طاوس، ۷۰۸)

امام کاظم (ع) نیز فرمود: «لَا يُخَلَّدُ اللَّهُ فِي النَّارِ إِلَّا أَهْلَ الْكُفْرِ وَالْجُحُودِ وَ أَهْلَ الضَّلَالِ وَ الشُّرْكِ» (صدوق، ۴۰۷)، خداوند فقط کفار، منکرین، گمراهان و مشرکین را در آتش عذاب دائمی می کند.

#### ۳.۴. نفاق

یکی دیگر از عوامل ابتلای به عذاب الهی در عالم آخرت، نفاق است. (البقره، ۱۰، ۸۶، ۱۷۵، النساء، ۱۳۸)، آنان در ظلمت فراگیر عالم قیامت درخواست روزنه ای از نور دارند (الحديد، ۱۳)

#### ۴.۴. ارتداد

روی گرداندن از حقیقت، از نظر قرآن جرم بزرگ و جبران ناپذیری است و باقی ماندن انسان بر ارتداد تا زمان مرگ، موجب عذاب اخروی اوست. (البقره، ۲۱۷؛ المائده، ۲۱، ۵۴؛ محمد، ۲۵)

#### ۵.۴. تکذیب و کتمان آیات الهی

یکی دیگر از عوامل گرفتاری در عذاب، تکذیب آیات الهی است. خداوند این حقیقت را در آیات متعددی بیان کرده است. (الانعام، ۴۹، ۱۵۷).

افتراء به خداوند (النحل، ۱۱۷، التوبه، ۹۰)؛ نسبت افتراء و تهمت به پیامبران خداوند (سبأ، ۸)؛ ایجاد تزلزل و تردید در وحی الهی (ص، ۸)؛ کتمان آگاهانه حقایق دینی<sup>۱</sup> (البقره، ۱۷۴)؛ بی

<sup>۱</sup> خداوند کسانی [از یهود] را که با علم به بعثت حضرت رسول (ص) و نزول قرآن، به بهای اندکی آن را کتمان کردند، به پر شدن شکم هایشان از آتش، عدم سخن گفتن خداوند با آنان در قیامت و عدم تزکیه آنان و سرنگونی در عذاب الیم (البقره، ۱۷۴)؛ و برای کسانی که پیمان الهی و سوگندهای خود را به بهایی اندکی بفروشد، به سخن نگفتن، نگاه نکردن، عدم تزکیه و عذاب الیم. (آل عمران، ۷۷) مقرر فرموده است.

اعتنایی به آیات الهی (الجاثیه، ۸؛ الاعراف، ۷۳؛ الاحقاف، ۲۴؛ هود، ۴۸؛ النحل، ۶۳ و ۱۰۴)؛ انکار آخرت (الإسراء، ۱۰؛ الشعراء، ۲۰۱) و تمسخر آیات الهی (لقمان، ۶؛ الجاثیه، ۱۰ و ۹) نیز مشمول عذاب خداوند خواهد بود.

یهودیانی که از کتاب خدا، به شکل ابزاری استفاده می کنند، به عذابی دردناک تهدید شده اند. (البقره، ۸۵)

#### ۴.۶ دشمنی با خدا و رسول (ص)

طبق برخی از آیات قرآن، افرادی که با خدا و رسول (ص) دشمنی کنند، نیز مشمول عذاب الهی خواهند شد. تهدید پیامبران (الفرقان، ۴۲)؛ تمسخر حضرت نوح (هود، ۳۹)؛ آزار رسول خدا (ص) و نافرمانی از او (التوبه، ۳۹ و ۶۱؛ النور، ۶۳؛ الفتح، ۱۶ و ۱۷)؛ بازداشتن مردم از راه خدا و مسجد الحرام (الحج، ۲۵؛ الفتح، ۲۵؛ البقره، ۱۱۴؛ النحل، ۹۴)؛ تعدی به حدود الهی (النساء، ۱۴)؛ صد عن سبیل الله (المجادله، ۱۶) آزار خدا و پیامبر (الاحزاب، ۵۷)؛ تجاوز به حریم الهی (الاعراف، ۱۶۴؛ الطلاق، ۱۰؛ ص، ۲۶)؛ دوستی با دشمنان خدا (المجادله، ۱۵)؛ استفاده ابزاری از ایمان (البقره، ۸۵) موجب گرفتاری انسان در عذاب الهی می باشد.

#### ۴.۷ ظلم و ستم نسبت به مردم

خداوند هر نوع ظلم و ستم انسان ها به یکدیگر را مشمول عذاب در آخرت بیان فرموده است. گرچه این نوع عذاب، گاه در دنیا برای ستمگران محقق شده، اما نتیجه واقعی آن در عالم آخرت محقق خواهد شد. برخی از این موارد عبارتند از: آزار مؤمنان (التوبه، ۳۴ و ۷۹)؛ شکنجه انسان های مؤمن (البروج، ۱۰)؛ ستمگری (إبراهیم، ۲۲؛ الشوری، ۲۱، ۴۲، ۴۵؛ الفرقان، ۳۷؛ الانسان، ۳۱)؛ تفرقه افکنی (آل عمران، ۱۰۵)؛ محاربه (المائده، ۳۳)؛ رهبری جریان افک [شایعه سازی و اشاعه فحشاء] (النور، ۱۱، ۱۴، ۲۳)؛ مکر و حيله (الانعام، ۱۲۴، الفاطر، ۱۰)؛ تکبیر (الحج، ۹)؛ بخل (آل عمران، ۱۸۱). فراگیری عذاب ناگهانی (الانعام، ۴۷)؛ چشاندن عذاب دائمی (یونس، ۵۲)، عدم رهایی از آتش حتی با دادن فدیة (یونس، ۵۴)؛ گرفتاری در عذابی سخت (الاعراف، ۱۶۵)؛ خبر داده و برای قوم فرعون (غافر، ۴۶)، اشد عذاب را ذکر کرده است.

#### ۴.۸ سایر موارد

اموری چون، ربا خواری و خوردن اموال مردم به ناحق (النساء، ۱۶۱)؛ شکستن پیمان و سوگند (آل عمران، ۷۷)؛ استکبار و خود برتر انگاری (لقمان، ۷)؛ آل عمران، ۱۸۸؛ الصافات، ۳۸؛ النساء، ۱۷۳) نیز زمینه ی عذاب را فراهم می آورند.

به گزارش قرآن کریم، فقط پارسایان در عالم آخرت، از هر نوع عذابی، امنیت کامل دارند. (الدخان، ۵۶). برخی سنت های عذاب الهی عبارتند از: عذاب پایدار برای گناهکاران رانده

شده از درگاه رحمت الهی (الصافات، ۹)؛ عذاب مشترك گمراه کنندگان و گمراه شدگان (الصافات، ۳۳)؛ عدم رهایی از عذاب با انتساب گمراهی به دیگران (الاعراف، ۳۸)؛ بیهوده بودن آرزوی نیکوکاری هنگام مواجهه با عذاب (الزمر، ۵۸)؛ عدم کارآیی مال و فرزند، در دفع عذاب الهی (مریم، ۷۹)؛ عدم رهایی از عذاب ثابت شده الهی (الزمر، ۱۹)، عدم تأثیر طول عمر بر کاهش عذاب (البقره، ۹۶)، همچنین جاودانگی عذاب نسبت به کافران (آل عمران، ۱۱۶)، مشرکان (النحل، ۲۹)، منافقان (المجادله، ۱۷)، مردان (آل عمران، ۸۶-۸۸)، مجرمان (الزخرف، ۷۴)؛ گناهکاران (الدخان، ۴۸) از دیگر سنن الهی در فرایند تعذیب است.

### ۵. ارتباط بحث عذاب و سنت تربیت

قرآن کریم، از بُعد کیفری نظام حاکم بر خلقت را با واژه عذاب یاد کرده است. هدف این سنت، تربیت انسان و سوق دادن او به پرهیز از گناه، رفتارهای زشت و غیر اخلاقی، رعایت حال دیگران و عدم ظلم و ستم به آنان، پارسایی، پرهیزکاری و تسلیم در برابر خداوند قادر است. تعداد قابل ملاحظه ای از آیات عذاب، بیان کننده سنت های خداوند در عالم بشری و نتایج اعمال آنان در عالم آخرت هستند.

خداوند نظام کیفر و پاداش را بر اساس مصالحی که در تکاملی و رشد و پویایی فرد و جامعه به همراه حفظ کرامت و منزلتی او وجود دارد، برای انسان مقدر فرموده است.

انسان به دلیل محدودیت عالم دنیا، و عدم توانایی درک اعماق امور عالم «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ (الروم، ۷)»، فقط امور ظاهری را می بیند، و از آخرت و پایان کار غافل است؛ آنگاه چشم او بر حقایق گشوده می شود که دیگر کاری از او بر نمی آید، «لَقَدْ كُنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكُمْ غِطَاءَك فَبَصَرُك الْيَوْمَ حَدِيدٌ (ق، ۲۲)»

علامه طباطبائی می نویسد: «اشاره کلمه "هذا" به حقایقی است که انسان در قیامت با چشم خود معاینه می کند و می بیند که تمامی اسباب از کار افتاده و همه چیز ویران گشته و به سوی خداوند واحد قهار برگشته است. و همه این حقایق در دنیا هم بود. اما انسان به خاطر رکون و اعتمادی که به اسباب ظاهری داشت از این حقایق غافل شده بود.» (طباطبائی، ۱۸/۵۲۳)

طبرسی می نویسد: «ما آن پرده ای را که در دنیا قلب و گوش و چشم را پوشانیده بود، برداشتیم تا اینکه همه چیز برایت روشن شد، خداوند در عالم آخرت، علوم ضروری را در انسان ها می آفریند و پرده از چشم و گوش و دل آنان برداشته می شود.» (طبرسی، ۲۳/۲۶۵)

این قسم آیات، موجب رویش جوانه های امید و نشاط در جامعه و حاکی از لطف خالق قدرتمند عالم است که از سر مهربانی و دلسوزی به بندگان خود نسبت به نافرمانی و گرفتار شدن

در عذاب هشدار می دهد. و شکر گزاری و قدر شناسی، علاوه بر آنکه عذاب را دفع می کند، سعادت دنیوی و اخروی افراد را نیز تأمین می کند.

مطالعه مجموعه آیات سنت عذاب نشان می دهد که خداوند هرگز نمی خواهد بندگان را گرفتار عذاب شوند، لذا بارها و به اشکال مختلف هشدار داده و آنان را از خطر عذاب هایی که ممکن است، آنها را گرفتار خود کند، برحذر داشته است. گرچه عذاب الیم، بیش از هر عذابی دیگر استفاده شده، اما تأکید کرده که راه توبه و بازگشت از گذشته برای انسان تا زمانی که جبران میسر باشد، وجود دارد.

آیات عذاب، هشدارهای لازم را برای جلوگیری از سقوط انسان در وادی کفر و گناه، ارائه می کند. و همانند پزشک برای بیمار خود داروی تلخ تجویز می کند، تا سلامت از دست داده را بازیابد.

اگر انسان به دلیل لجاجت و طغیان، این تابلوها را نادیده بگیرد و از فرصت عمر استفاده نکند و با لجبازی، استکبار و تمسخر، آیات الهی و دعوت انبیای او انکار کند، بر اساس حکمت و عدالت الهی در این عذاب سرنگون خواهد شد و هیچ عاملی نمی تواند او را نجات دهد. خداوند عزیز با تذکر بر دشواری نظام کیفر که ناشی از عظمت خداوند، قدرت و اقتدار اوست، افراد را از ساده انگاشتن آن بر حذر داشته و با هشدارهای پی در پی، اشکال مختلف کیفر اخروی را یاد آوری کرده تا برای هیچ کس عذری باقی نماند. تا جایی که گناهکاران در عالم آخرت به اطلاع خود از کیفرهای الهی اعتراف می کنند.

به گزارش قرآن کریم کفار از انواع عذاب های دردناک بزرگ، گسترده، پایدار، شدید، سوزان و خوار کننده [الیم، عظیم، غلیظ، مقیم، شدید، حریق، مهین] برخوردار خواهند شد. این امر نشان می دهد که ریشه اصلی گناه، عدم تمکین در برابر عظمت خداوند و روحیه طغیان گری، خود خواهی، استکبار و ... است. صفت های مختلف عذاب کافران، نشان دهنده ی تفاوت درجه کفر افراد و آثار و نتایج آن در فرد و جامعه است. زیرا موقعیت افراد از نظر قدرت، ثروت، شرایط فرهنگی، نفوذ کلام و ... متفاوت و تأثیر آنان بر جامعه از نظر کیفی و کمی متغیر است، لذا گرفتار عذابی متناسب با عمل خود خواهند شد.

بدیهی است که اگر انسان، از خالق خود که همه عالم آفرینش را مسخر او کرده، قدردانی و تشکر نکند، نمی تواند نسبت به مردم قدر شناس و شاکر باشد. او با حرکت بر خلاف فطرت، در جهنم عذاب الهی سرنگون می شود.

از نظر قرآن کریم، کفر مادر همه گناهان است و خداوند هرگز افرادی که الوهیت و خالقیت او را انکار کرده و از فرمان او سر باز زده اند، را مشمول لطف و عنایت و رحمت خود نخواهد کرد.

سایر کیفههایی که انسان را مستوجب عذاب الهی می کند، نیز با کفر و ناسپاسی انسان بی ارتباط نیست. گناهانی مانند، شرک، نفاق، کتمان حق، پیمان شکنی، ظلم، بی اعتنائی به آیات الهی، تمسخر و آزار پیامبران، شکنجه و آزار مؤمنان، فسق، بخل، استفاده اِزاری از دین، انکار آخرت و ... نیز ریشه در کفر دارد یا به کفر منتهی می شود.

گرچه همه افراد در یک سطح عذاب نمی شوند و میزان عذاب، بر اساس نوع گناه، میزان تأثیر، نتایج و آثار گناه، موقعیت اجتماعی گناهکار و ... متفاوت است، ولی کم ترین درجه عذاب الهی نیز با بالاترین حد عذاب های دنیوی قابل مقایسه نیست. زیرا خداوند خالق همه موجودات است و در همه امور بر آنها برتری دارد، پس عذاب او نیز از همه انواع عذاب ها، دشوارتر و سهمگین تر است.

به گزارش قرآن کریم، انسان ها هنگام مشاهده عذاب به عذر تراشی می پردازند. عده ای گناه تخلف های خود را به گردن شیطان یا رهبران ظالم خود می اندازند، عده ای تقاضای فرصت جبران و بازگشت به دنیا دارند و گروهی از آنان به واسطه فرشتگان از خداوند درخواست اندکی تخفیف در عذاب دارند.

از این رو خداوند تأکید می کند که قبل از آنکه زمان بگذرد، توبه کنید و عذاب الهی را از خود دفع کنید. و نمونه هایی از کیفر خود را در دنیا، مانند کیفر اصحاب نوح، لوط، صالح، شعیب و ... بازگو می کند، تا انسان های بیدار عبرت بیندوزند و با ارائه نمونه ای از جامعه توبه کرده [قوم یونس]، مردم را به پاکی و بازگشت از گناه فرا می خواند.

بنا بر این وعده عذاب جهان آخرت، نشانه رأفت و رحمت الهی است که با هشدارهای مختلف و بیان دشواری و گستردگی عذاب آخرت، افراد گناه کار را نسبت به عذاب آخرت هشیار می کند و زمینه تسلیم و اطاعت آنان را فراهم می آورد.

خداوند عزیز با آیات عذاب، به انسان هایی که از نظر روحی بیمار هستند، هشدار می دهد که لغزش در گناه، زمینه ساز سقوط در عذاب خداوند و محروم ماندن از رحمت اوست. از نظر روانی، این اخطارها در انسان هایی که از سلامت روح و جان برخوردار هستند، اثر می گذارد و خود را برای جهان آخرت آماده می کنند و با توبه و جبران اعمال گذشته خود، به سوی خدا باز می گردند.

## ۶. کیفر برخی از گناهان دنیوی

قرآن کریم، برخی عذاب‌ها را به عنوان تنبیه و کیفر اعمال ناپسند و گناهان دنیوی، بر اساس ضوابط و متناسب با نوع تخلف و برنامه‌ای دقیق یادآور شده است. «لَوْ لَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (الانفال، ۶۸) و فرموده است، برخی از کفار نیز در همین دنیا، نتیجه کار خود را به صورت عذاب الیم دریافت کرده‌اند. (التغابن، ۵)

برخی از این کیفرهای قانونمند و هدفدار عبارتند از: قصاص (البقره، ۱۷۸؛ النساء، ۹۳)؛ تعدی آشکار به قانون شریعت [مانند تجاوز از حدود در صید] (المائده، ۹۴)، تجاوز از حدود در روزه (المجادله، ۴)، تجاوز گری یهود (الحشر، ۱۵)

همچنین بر اجرای حد زن و مرد زناکار، بدون رأفت و در حضور عده‌ای از مومنان (النور، ۲)، تهدید همسران پیامبر [در صورت ارتکاب گناه] به کیفر دو برابر (الاحزاب، ۳۰) اشاره کرده است.

آموزه‌های قرآن در این زمینه بر پیشگیری تکیه دارد و عوامل و زمینه‌هایی را فراهم آورده که صفات ارزشی را درونی کند و انسان خود کنترل شود و این موضوع مهمترین اثر تربیتی تهدیدهای دنیوی است.

#### ۶.۱. پیشگیری از وقوع جرم

خداوند بزرگ با ارائه راه کارهایی ژرف و واقع بینانه زمینه بروز گناه را سد کرده است. مهم ترین گام در نجات از عذاب، عدم ورود به منطقه‌ی آلوده و ممنوعه گناه است. خداوند عزیز و پیشوایان دین، تعالیم ارزشمندی را برای جلوگیری از تحقق جرم و بزه در جامعه اسلامی، بیان کرده‌اند. برخی از این تعالیم عبارتند از،

#### ۶.۱.۱. نظارت خداوند بر اعمال انسان

خداوند بزرگ بارها بر نظارت خود بر اعمال انسان تأکید ورزیده و انسان را از ارتکاب گناه در محضر خود بازداشته است. «أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَ تَوَلَّى أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى» (العلق، ۱۳-۱۴)، به من خبر ده اگر (این طغیانگر) حق را انکار کند و به آن پشت نماید (آیا مستحق مجازات الهی نیست؟! آیا او ندانست که خداوند (همه اعمالش را) می‌بیند؟!

#### ۶.۱.۲. تحقق قیامت و رویارویی انسان با اعمال خود

در این باره نیز آیات فراوانی در قرآن وجود دارد مانند: «ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالَمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (التوبه، ۹۴)، سپس به سوی کسی که دانای پنهان و آشکار است بازگشت داده می‌شوید و او شما را به آنچه انجام می‌دادید، آگاه می‌کند (و جزا می‌دهد!)

#### ۶.۱.۳. ناپایداری لذت‌های دنیا

قرآن کریم نعمت های دنیا را همراه با رنج و دشواری و آمیخته با ناگواری ها خوانده است، «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّا لَدَارُ الْآخِرَةِ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (العنكبوت، ۶۴)، این زندگی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازی نیست و زندگی واقعی سرای آخرت است، اگر می دانستند!

#### ۶. ۱. ۴. بیان نقش گناه در تخریب کرامت و عظمت انسان

امام علی(ع) می فرماید، «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَتُهُ (شهیدی، ۴۴۱)، کسی که دارای کرامت نفس باشد، شهوات در برابر او خوار می شود.» و نیز فرمود، «مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَرَجُ خَيْرَهُ (تمیمی، ۲۶۳)، به خیر کسی که نفس خود را خوار شمارد، امیدوار مباش.» امام هادی(ع) نیز فرمود، «مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ (مجلسی، ۳۶۵/۷۵)، از شر کسی که نفس خود را خوار بشمارد، ایمن مباش.»

#### ۶. ۱. ۵. لزوم بهره گیری از نعمت های مشروع

راه های مناسب و مشروع برای تأمین انواع نیازهای انسان وجود دارد. خداوند حکیم برای تأمین همه نیازهای فطرتی و واقعی او، راه های معقول و منطبق بر کرامت و منزلت او قرار داده است مانند: «وَأَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (الانعام، ۱۵۳)، این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید! و از راه های پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از طریق حق، دور می سازد! این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می کند، شاید پرهیزگاری پیشه کنید!». هر خواسته ای که با تعالیم الهی ناهمخوان باشد، شیطانی است و باید از آن پرهیز کرد. زیرا شیطان سوگند خورده که انسان را به وادی گمراهی و کژراهه بکشاند.

#### ۶. ۲. کیفرهای سخت

خداوند حکیم برای عاملان بزه و گناه، کیفرهای سخت مقرر فرموده و بر اجرای بدون ترحم حدود الهی تأکید کرده است. (النور، ۲). رسول خدا(ص) فرمود، «حَدُّ يُقَامُ لِلَّهِ فِي الْأَرْضِ أَفْضَلُ مِنْ مَطَرٍ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا (کلینی، ۱۷۵/۷)، حدی که برای خدا بر روی زمین اجرا شود، از بارش چهل روز باران برتر است.» ولی اجازه نمی دهد حق کسی ضایع شود. لذا برای کیفر مجرم شرایط فراوانی مقرر کرده است. برخی از این شرایط که اثبات کیفر گناهکار را دشوار می کنند، عبارتند از:

#### ۶. ۲. ۱. دشواری اثبات جرم

در تعالیم قرآن و پیشوایان دین(ع)، برای اثبات جرم شرایط دشواری مطرح شده است. و همین مسئله موجب می شود که در بسیاری از موارد متهم تبرئه شود. و یا فرصت توبه و جبران پیدا کند و این از نظر تربیتی مهم است.

مثلا برای قطع دست سارق، شرایط متعددی وجود دارد. همچنین اثبات جرم زنا، کاری بسیار دشوار است.

#### ۲.۲.۶. قاعده درء

اسلام پیوسته تأکید کرده که اگر مسلمان در اثر خطا و اشتباه، به عفو و بخشش روی آورد، بهتر از آن است که در مجازات و عقوبت اشتباه کند. (ترمذی، ۳۳/۴) به عبارت دیگر اشتباه منتهی به عفو مجرم، بر اشتباه منتهی بر کیفر او ترجیح دارد. رسول خدا(ص) فرمود، «أَدْرَأُوا الْحُدُودَ بِالشُّبُهَاتِ (صدوق، ۷۴/۴)، حدود را با شبهات دفع کنید»، هر شبهه ای می تواند مجرم را از کیفر برهاند.

البته این قاعده دارای ریزه کاری های فراوان است که موضوع بحث این مقاله نیست. (نکه ولایی، ص ۲۳۶-۲۴۹)

#### ۳.۲.۶. توبه قبل از ثبوت جرم

قوانین الهی راه توبه را برای انسان بازگذاشته است و اگر مجرم از گناه خود توبه کرده و حقوق ضایع شده را بازگرداند، از کیفر الهی ایمن خواهد ماند. قرآن می فرماید: «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ (التوبه، ۱۰۴)، آیا نمی دانستند که فقط خداوند است که توبه را از بندگانش می پذیرد.»

خداوند بزرگ، بر اساس رحمت خود امکان نجات از عذاب را تا زمانی که امکان جبران خطا مهیا باشد، میسر دانسته است. (الاحقاف، ۳۱؛ المائده، ۷۳؛ یونس، ۹۷؛ نوح، ۱؛ الذاریات، ۳۷) اموری چون ایمان به خدا و رسول او(ص) و جهاد با جان و مال، عامل نجات انسان، از عذاب الیم است(الصف، ۱۰).

توبه واقعی موجب نجات انسان و توبه دروغین به مثابه استهزاء خداوند است. امام باقر(ع) فرمود، «التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ وَ الْمُقِيمُ عَلَى الذَّنْبِ وَ هُوَ مُسْتَغْفِرٌ مِنْهُ كَالْمُسْتَهْزِئِ (کلینی، ۴۳۵/۲)، کسی که از گناه [خود] توبه کند، مانند کسی است که گناهی مرتکب نشده باشد و کسی که در حال توبه، بر گناه پایدار است، همانند کسی است که [خدا] را مسخره می کند.»

#### ۳.۶. عذاب حاکمان

برخی از موارد کاربرد عذاب دنیوی در قرآن، حاکی از شکنجه حاکمان ظالم، فرعون و قوم بنی اسرائیل است. خداوند از عذاب شدید فرعون (قطع دست و پای مخالف و اعدام بر درخت خرما) نسبت به ساحرانی که به حضرت موسی(ع) ایمان آوردند، یاد می کند.



طبق گزارش قرآن فرعون، مردم را به بدترین حالت شکنجه می کرد، پسرانشان را می کشت و از زنان استفاده ابزاری می کرد. «وَ إِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَ فِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ» (نکه البقره، ۴۹، الاعراف، ۱۴۱، ابراهیم، ۶)

زلیخا برای حضرت یوسف درخواست زندان یا عذاب الیم کرد. (یوسف، ۲۵) و سردمداران کفر، دو فرستاده خداوند در انطاکیه، را شوم خوانده و برای آنان درخواست عذاب الیم کردند. (یس، ۱۸). این آیات نشان می دهد که عذاب الیم در جوامع بشری وجود داشته و برای مردم شناخته بوده است.

قرآن کریم، ضمن نفی عذاب های حاکمان طاغوتی که ناشی از خودکامگی و هواپرستی آنان است، ضرورت نوعی تنبیه معقول و سنجیده را برای نظام حکومتی صالح و به منظور حفظ آرامش، نظم و ... را تأیید کرده است. حضرت سلیمان استفاده از عذاب را لازمه ی تحقق نظم و اداره مقتدرانه ی جامعه خود دانسته و در مورد هدهد گفته است: «لَأَعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِي بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ» (النمل، ۲۵). قرآن کریم از جنیان نقل کرده است که اگر می دانستند، سلیمان مرده است، در عذاب مهین باقی نمی ماندند.

از نظر قرآن کلید محوری آیاتی که در مورد عذاب سخن می گویند حفظ کرامت، فضیلت و ارزش های انسانی و بیدار کردن انسان از خطرهای ناشناخته ی در کمین او و نشانه ی مهر و دوستی است. چنانکه هر پدر مهربانی که نسبت به فرزند خود احساس مسئولیت و وظیفه کند، او را نسبت به خطرات رفتارهای ناپسند هشدار می دهد. خداوند برخی تنبیه های معقول و متناسب دنیوی را تجویز کرده و اموری مانند قصاص و تعزیرات را «حق» شمرده و فوائدی بر آن مترتب دانسته است. زیرا این کیفرها علاوه بر آنکه زمینه ی تمایل به خلاف را در جامعه کاهش می دهد، افراد در آستانه جرم را از ارتکاب جنایت منصرف می کند. باید به این نکته نیز توجه کرد که حفظ مصالح اجتماعی بر منافع شخصی ارجح است. همچنین قدرت بازدارندگی جریمه های سنگین، مخصوصا در جوامعی که از فرهنگ غنی برخوردار نیستند، از کارآیی رأفت و محبت بیشتر است.

### نتیجه مقاله

۱. بخشی از آیات عذاب قرآن کریم، مربوط به عالم آخرت و مبتنی بر دلسوزی، خیر خواهی و بازداشتن انسان از لغزش هاست. و همانند علائم راهنما و آذیرهای خطری است که پیوسته به انسان هشدار می دهند تا از مسیر حق خارج نشده و در وادی گناه نیفتد.

۲. منشأ اصلی عذاب الهی، معارضه با خداوند، استکبار، استعلاء، کفر و گناهان منجر به کفر است. بر اساس عدالت خداوند، عذاب آخرت دارای مراتب و صفات مختلفی است و هر کس به فراخور شرایط خود، به آن مبتلا می شود.

۳. بخشی دیگر از آیات قرآن، بیان سنت های خداوند و حاکمیت نظم و قانون با عالم آفرینش است و هشدار می دهد که از نظر خداوند انسان های گناهکار با افراد پارسا، یکسان نیستند. برخی آیات، حکایتگر سنت عذاب برخی افراد که تجاوز از حریم الهی را از حد گذرانده اند، می باشد.

به گزارش قرآن، هر يك از حاکمان سلطه جو و ظالم و حاکمان حقیقت جو و عادل، نیز برای تحقق نظم و اداره جامعه از برخی عذاب ها بهره گرفته اند.

۴. خداوند عزیز عذاب دنیوی را موجب احیای جامعه بشری دانسته و بر جنبه بازدارندگی آن تأکید کرده است و راه حل های مهمی برای پیشگیری از وقوع گناه و جبران آن قرار داده است. بنا بر این اتهام خشونت های متداول در فرهنگ بشری، به دین اسلام، غیر عالمانه و به دور از انصاف است.

### کتابشناسی

۱. قرآن کریم، با ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن طاوس، سید رضی الدین، *اقبال الاعمال*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۴. ترمذی، محمد بن عیسی، *سنن ترمذی*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد، *غررالحکم و دررالکلم*، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ش.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق، دارالعلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق.
۷. سیدرضی، محمدبن حسین، *نهج البلاغه* به ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۷ش.
۸. صدوق، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۹. همو، توحید، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ق.
۱۰. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۷۴ش.

۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۱۲. همو، *جوامع الجامع*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
۱۳. طریحی، فخر الدین، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۱۴. عسکری، ابو هلال، *معجم فروق اللغویه*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۲ق.
۱۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم، مؤسسه دارالهجره، ۱۴۰۵ق.
۱۶. فیومی، احمد بن محمد، *مصباح المنیر*، بی جا، بی تا.
۱۷. قدردان قراملکی، محمدحسن، *جهنم چرا؟* قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷ش.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵ش.
۱۹. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه وفا، ۱۴۰۴ق.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۲۱. مهیار، رضا، *فرهنگ ابجدی عربی - فارسی*، بی جا، بی تا.
۲۲. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
۲۳. ولائی، عیسی، *فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول*، تهران، نشر نی، ۱۳۸۳ش.
۲۴. نوبری، علیرضا، «روش‌شناسی مستشرقان در تفسیر قرآن و بررسی سنت»، *قرآن پژوهی خاورشناسان* ...، ۱۳۸۹، ش ۸.